

تحلیل جغرافیایی روند مهاجرت در استان آذربایجان شرقی (۸۵-۱۳۶۵)

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۸/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۱

دکتر حسن بیگ محمدی* (دانشیار و عضو هیأت علمی گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان)
مجتبی حاتمی^۱ (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری و عضو باشگاه پژوهشگران دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)

چکیده

استان آذربایجان شرقی در دهه های گذشته، تحت تاثیر مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بویژه جغرافیایی، با نقل و انتقالات شدید جمعیتی روبرو بوده است. این استان در ۵۰ سال گذشته بیشترین مهاجرت را در بین استان های ایران داشته است، به گونه ای که خالص مهاجرتی آن از حدود ۱۰۱- هزار نفر در سال ۱۳۴۵، به حدود ۲۲۴- هزار نفر در سال ۱۳۶۵ و بالاخره ۱۵۳- هزار نفر در سال ۱۳۸۵، رسیده و لذا در بین استان های ایران، رتبه اول را داشته است. هدف این مقاله، بررسی و تحلیل وضعیت مهاجرت در استان آذربایجان شرقی و تعیین علل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی موثر بر مهاجرت فرستی شدید این استان و تعیین مقصد مهاجرین است. روش پژوهش این مقاله، ترکیبی از روش های تحقیق توصیفی، اسنادی و علی است و جهت دسترسی به داده ها از منابع آماری معتبر و موثق استفاده شده است. تعدادی از نتایج تحقیق نشان می دهد که در این ارتباط، بالا بودن درصد جمعیت روستایی، پایین بودن درآمد کشاورزی و کاهش بهره وری، وجود اراضی کشاورزی دیمی، تشدید خشک سالی های گذشته، ضعف بنیادهای صنعتی و خدماتی در مراکز شهری و کمبود فرصت های شغلی در نواحی روستایی، در مهاجرت فرستی شدید منطقه، موثر بوده است.

واژه های کلیدی

روند مهاجرت، موازنه مهاجرت، مهاجرت به داخل، مهاجرت به خارج، مهاجرت طول عمر.

* نویسنده رابط: beikmohammadi_h@yahoo.com

^۱ hatami@iaun.ac.ir

مقدمه

۱-۱- طرح مساله

استان آذربایجان شرقی در ۵ دهه گذشته به علت شرایط جغرافیایی و عوامل اقتصادی و اجتماعی، پیوسته با نقل و انتقالات شدید جمعیتی همراه بوده و یکی از استان های مهاجرفرست ایران بوده و در ۴۰ سال گذشته در بین استان های مهاجرفرست ایران، رتبه اول را داشته است. این استان در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در ۱۳۸۵، دارای ۳/۶۰۳/۴۵۶ نفر جمعیت بود که از این تعداد ۲/۴۰۲/۵۳۹ نفر یا ۶۶/۵ درصد آن شهری و ۱/۲۰۰/۹۱۷ نفر یا ۳۳/۵ درصد آن روستایی بوده است، در این سرشماری تعداد کل آبادی های استان بالغ بر ۳۰۹۱ آبادی بوده که از این تعداد ۲۷۳۱ آبادی (۸۸ درصد) مسکونی و تعداد ۳۶۰ آبادی (۱۲ درصد) خالی از سکنه بوده است. جمعیت روستایی این استان از ۱/۸۴۳/۴۷۲ نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱/۲۰۰/۹۱۷ نفر در سال ۱۳۸۵، کاهش یافته و رشد آن در ۲۰ سال گذشته، ۰/۱- درصد بوده است. در کشور ایران بین نرخ مهاجرت فرستی و مهاجرت پذیری مناطق و سطح توسعه، رشد اقتصادی و برخورداری استان ها رابطه‌ی نزدیکی وجود دارد، به طوری که در اغلب استان های برخوردار نرخ مهاجرپذیری چندین برابر استان های محروم است، برای مثال در ۱۳۸۵، نسبت مهاجرپذیری استان های برخوردار چوَن تهران و خوزستان، ۲۶ برابر استان محرومی چون کهگیلویه و بویراحمد بوده است (جهانفر، ۱۳۸۵: ۲۲۵).

۱-۲- اهمیت و ضرورت

از میان پدیده های مختلف جغرافیایی، پدیده جمعیت^۱ به لحاظ صفات گوناگون خودنمایان ترین مشخصه کلی هر سرزمینی است، جمعیت نقطه عطفی است که تمامی عناصر دیگر از آن شکل می گیرند و متأثر می شوند (مهدوی، ۱۳۸۵: ۳). بنابراین جمعیت مهمترین عنصر اساسی و تحلیلی و متمایز کننده مکان و تشکیلات فضایی است که موضوع اصلی جغرافیا را تشکیل می دهد. هر نوع برنامه ریزی و تعیین خط مشی های اقتصادی و اجتماعی در سطوح مختلف ناحیه ای، منطقه ای و ملی، مستلزم آگاهی از کم و کیف پدیده های دموگرافیکی^۲ است (Trewartha 1953: 71^p). روند مهاجرت های روستایی به تدریج صورت گرفته و مراکز شهری بطور نسبی به نیروی کار روستاییان نیازمندند. در جهان سوم فقر روستایی که پایین بودن درآمد کشاورزی، کاهش بهره وری و کم کاری نمودهای عمده آن هستند،

¹ Population

² Demographic

مهاجران را از مناطق روستایی به مناطقی می راند که فرصت های بیش تری وجود دارد. از طرف دیگر فشار جمعیت و در نتیجه افزایش تراکم جمعیت نسبت به زمین های زراعی علت مهم فقر فزاینده در نتیجه مهاجرت محسوب می شوند. همچنین پاره پاره شدن مالکیت زمین های زراعی، توزیع نابرابر زمین و دیگر دارایی های مولد (نظیر وام های کشاورزی و سایر اعتبارات بانک) در تشدید فقر و در نتیجه مهاجرت به شهرها موثر هستند (او برای، ۱۳۷۰: ۷۵). همچنین استفاده سریع و نامناسب از تکنولوژی سرمایه بر به جای تکنولوژی کاربر در روستاهای جهان سوم نقش مهمی در تشدید مهاجرت ها داشته است (تمنا، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

در سطح بندی که در استان های ایران انجام شده استان آذربایجان شرقی جزء استان های نسبتا در حال توسعه بوده لذا میزان مهاجرپذیری آن بسیار کم و در نتیجه نرخ مهاجرفرستی آن بسیار زیاد است (جهانفر، ۱۳۸۵: ۲۲۵) و لذا میزان خالص مهاجرتی آن پیوسته از همه استانها بیش تر و از این نظر در بین آن ها رتبه اول را دارا بوده است. بدیهی است این مهاجرفرستی شدید، در ساختار سنی، نسبت جنسی و گروه فعالین، تاثیرات منفی به جای می گذارد که و چنانچه در این زمینه اقدامی صورت نگیرد، این مشکل به یک بحران جمعیتی تبدیل خواهد شد.

۱-۳- اهداف

از آنجا که تحلیل های جمعیتی نقش مهمی را در برنامه ریزی و روند توسعه ی هر کشور بازی می کند و برنامه ریزی و آینده نگری بدون تحلیل صحیح و همه جانبه مسائل جمعیتی از جمله مهاجرت غیرممکن می باشد، در این مقاله اهداف زیر دنبال می شود:

- بررسی و شناخت عوامل موثر جغرافیایی در تغییر و تحولات جمعیتی استان؛
- تحلیل و تبیین علل مهاجرت فرستی شدید استان و تعیین مقصد مهاجرین استان؛
- ارائه ی پیشنهادها و راهکارهای عملی جهت کاهش نرخ مهاجرت فرستی استان.

۱-۴- سوابق مطالعاتی

تا آنجا که نگارندگان تحقیق کرده اند تاکنون در زمینه این موضوع (استان مورد نظر) پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته است، ولی مطالعاتی در این زمینه به صورت پراکنده، در برخی کتب، مقالات، سالنامه های آماری و نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، موجود می باشد، که به تعدادی از آنها به طور خلاصه اشاره می شود:

- بیک محمدی، روند مهاجرپذیری استان اصفهان را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفته است که: استان اصفهان تا سال ۱۳۴۵ یعنی قبل از صنعتی شدن یکی از استان های مهاجرفرست بوده و بیلان مهاجرتی آن اغلب منفی بوده است ولی در فاصله سال های ۵۵ تا ۱۳۶۵ به علت افزایش فعالیت های صنعتی و خدماتی، به استانی مهاجرپذیر تبدیل شده و خالص مهاجرتی آن $۸۵۱۵۷+$ نفر شده است.

- مغانی و بیک محمدی در مقاله ای، روند مهاجرت های استان فارس را بررسی کرده و نتیجه گرفته اند که: در این استان بعد از انقلاب اسلامی به علت هجوم مهاجرین جنگی و افزایش فعالیت های صنعتی و خدماتی تعداد مهاجرین به استان بسیار بیش تر از مهاجرین از استان بوده است.

- بیک محمدی و مختاری ملک آبادی، روند مهاجرت در استان خوزستان را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج این پژوهش مبین آن است که: روند مهاجرت در استان خوزستان، از روند ویژه ای برخوردار بوده است. به طوری که در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، استانی مهاجرپذیر بوده، در دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، همچنان روند مهاجرپذیری خود را ادامه داده است ولی در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، با شروع جنگ تحمیلی، روند مهاجرت های استان معکوس شده و شدیداً مهاجرفرست می شود. در دهه ۱۳۶۵ تا ۷۵، استان خوزستان دوباره به یک استان مهاجرپذیر تبدیل شده و خاص مهاجرتی آن $۱۰۲۶۷۲+$ نفر گردیده است.

در سطح بندی که در استان های ایران انجام شده استان آذربایجان شرقی جزء استان های نسبتاً در حال توسعه بوده لذا میزان مهاجرپذیری آن بسیار کم و در نتیجه نرخ مهاجرفرستی آن بسیار زیاد است (جهانفر، ۱۳۸۵: ۲۲۵) و لذا میزان خالص مهاجرتی آن پیوسته از همه استانها بیش تر و از این نظر در بین آن ها رتبه اول را دارا بوده است.

در این مقاله مسائلی مانند نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی در تغییر و تحولات جمعیتی استان، وضعیت مهاجرت فرستی استان در ۵۰ سال گذشته، عوامل موثر در مهاجرت فرستی شدید استان، و تعیین مقصد مهاجرین مطرح شده و مطالعات و پژوهش های تحقیق دنبال دستیابی جوابی مناسب به این پرسش ها است.

۱-۵- سوالات تحقیق

در این مقاله مسائلی مانند نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی در تغییر و تحولات جمعیتی استان، وضعیت مهاجرت فرستی استان در ۵۰ سال گذشته، عوامل موثر در مهاجرت

فرستی شدید استان، و تعیین مقصد مهاجرین مطرح شده و مطالعات و پژوهش های تحقیق دنبال دستیابی جوابی مناسب به این پرسش ها است.

۱-۶- مواد و روش

با توجه به موضوع تحقیق و شمول مطالعاتی آن، در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش های توصیفی، تاریخی و تحلیلی استفاده شده که مراحل آن به شرح زیر می باشد :

- ۱- جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع معتبر؛
- ۲- بررسی و مطالعه کتب و اسناد مختلف مرتبط با موضوع؛
- ۳- تبدیل داده های آماری به اطلاعات قابل استفاده و ترسیم نقشه های جمعیتی با استفاده از نرم افزار ArcView, Gis؛
- ۴- تحلیل آماری، تجزیه و تحلیل کیفی، تدوین مطالب و نتیجه گیری .

۱-۷- معرفی محدوده مورد مطالعه

استان آذربایجان شرقی با مساحتی برابر ۴۵۶۵۰ کیلومتر مربع حدود ۲/۸ درصد مساحت کل کشور را داراست و از لحاظ وسعت در بین استان های کشور در رتبه یازدهم قرار دارد(استان های کشور از نگاه برخی شاخص های آماری، ۱۳۸۷: ۱۴) . بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان دارای ۱۹ شهرستان ، ۴۲ بخش ، ۵۷ شهر و بیش از ۲۷۳۱ آبادی دارای سکنه، می باشد (نتایج کلی سرشماری نفوس و مسکن کل کشور، ۱۳۸۵) . (نقشه شماره ۱) . آذربایجان شرقی در شمال در طول ۲۰۰ کیلومتر با جمهوری آذربایجان و ۳۵ کیلومتر با جمهوری ارمنستان هم مرز می باشد که توسط رود مرزی ارس از آنها جدا می شود. در حال حاضر روابط هم جواری با جمهوری آذربایجان از محورهای جلفا و خداآفرین و با ارمنستان از طریق اوزال انجام می گیرد، که در این میان محور جلفا از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار است (www.ostan-as.gov.ir/)



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان آذربایجان شرقی

مأخذ: www.iran-map.com

۲- مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری

۲-۱- تعاریف

تا به حال تعاریف مختلفی از مهاجرت شده است که در اینجا به ذکر چند نمونه آن به شرح

زیر بسنده می شود:

« هرگونه حرکت و جابه جایی مکانی جمعیت به هرمنظور، به هر هدف، به هرمدت و به هر

فاصله » (Kuls، 1980 : p158). مهاجرت یعنی « جابه جایی افراد یا گروه ها که متضمن تغییر دائمی

یا نیمه دائمی محل سکونت دائمی است » (Pressat, Roland 1989 , p144).

مهاجرت به معنای اعم کلمه عبارت است از ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین

دیگر بطور دائم و موقت. ولی به معنای اخص کلمه که مهم ترین نوع تحرک جمعیت می باشد،

عبارتست از جابه جا شدن دسته جمعی یا انفرادی انسان ها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدا

(جوان، ۱۳۸۰: ۳۰۶).

مهاجرت به هرگونه تغییر همیشگی محل اقامت گفته می شود و شامل رها کردن فعالیت های

سازمان یافته در یک محل و انتقال دایره فعالیت ها به محلی دیگر است (جان و یکس، ۱۳۸۵: ۲۷۱).

بنابراین مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی انسان هاست که بین دو واحد

جغرافیایی صورت می‌گیرد که این جابه‌جایی می‌تواند به صورت دائمی یا تقریباً دائمی باشد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

مهاجرت^۱ نیز یکی از مهم‌ترین پدیده‌های جمعیت‌شناختی است، پدیده‌ای که به نقل و انتقالات سکونت‌ی انسان از مکانی به مکان دیگر مربوط می‌شود (بیک محمدی؛ مختاری ملک آبادی، ۱۳۸۲: ۲۲).

۲-۲- دیدگاه و مبانی نظری

مردم غالباً از سرزمین‌هایی که شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نامطلوب است خارج و به مناطقی که دارای جاذبه‌های شغلی بهتر، دستمزدهای بالاتر و شرایط اقتصادی - اجتماعی مطلوب‌تر است وارد می‌شوند. همان‌طور که در نمودار شماره « ۱ » آمده است فولر^۲ جغرافی‌دان آمریکایی برای تصمیم به حرکت یا ماندن مدلی را ارائه کرده است که مراحل مختلف آن به شرح زیر است:

مرحله اول: در این مرحله انسان با مسائلی برخورد می‌کند که زائیده و ناشی از شرایط محیطی و خواسته‌ها و آرزوهای شخصی است.

مرحله دوم: در این جا انسان جهت رفع مشکل خویش و اتخاذ بهترین تصمیم فهرستی از راه حل‌های مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد.

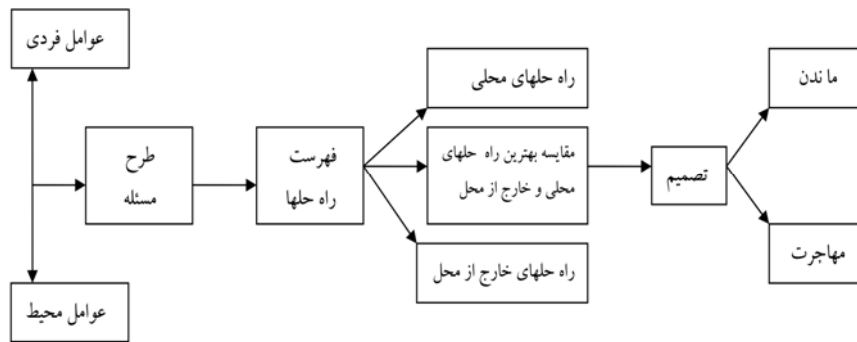
مرحله سوم: در این مرحله انسان مجموع راه حل‌های موجود در ناحیه یا بیرون از آن را با هم مقایسه کرده و بهترین را انتخاب می‌کند.

مرحله چهارم: در این مرحله شخص تصمیم قطعی خود را می‌گیرد.

مرحله پنجم: در این مرحله تصمیمش را به اجرا می‌گذارد که در این جا اگر چه راه حل مشکلات را در محل زندگی خود پیدا می‌کند در آنجا می‌ماند ولی چنانچه جواب مسائل را در خارج از منطقه بیابد به آنجا مهاجرت می‌کند.

¹ Migration

² Fuller

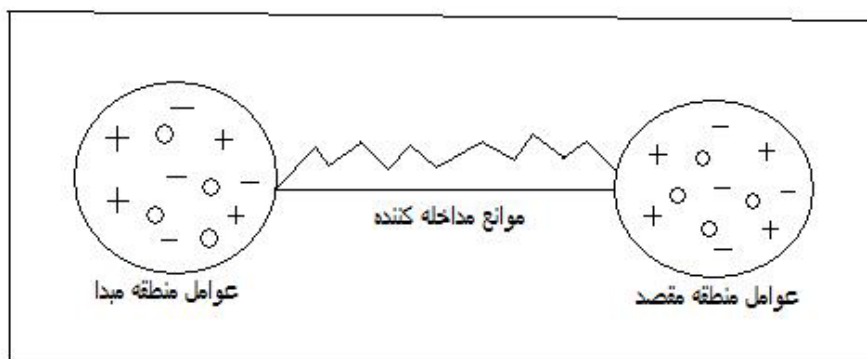


نمودار ۱ : مدل تصمیم به مهاجرت

منبع : Fuller - G. , 1978 , p50

جا به جایی جمعیت و تحرکات مکانی انسان ها در ایران سابقه ای طولانی دارد. قبل از سال ۱۳۰۰، بیشتر جا به جایی های جمعیتی مربوط به نقل و انتقالات اقوام، ایلات و عشایر و مهاجرت های شهر به شهر بوده است. وجود کوی ها و تیمچه ها و کاروان سراهای مربوط به ساکنان شهرهای دیگر در یک شهر، می تواند نشانه جا به جایی بین مناطق شهری باشد (بیک محمدی، ۱۳۷۷: ۸۲). قبل از بررسی چگونگی و روند مهاجرت های استان، این نکته بایستی مدنظر قرار گیرد که پدیده ی مهاجرت، نتیجه و حاصل برخورد عوامل جذب کننده و دفع کننده ی محیطی و فردی سرزمین هاست و این مسأله همیشه مورد توجه جغرافی دانان و جامعه شناسان بوده است (Newman, 1987: p167). در نمودار شماره « ۲ » اورت لی در مدل جاذبه و دافعه مهاجرت خود معتقد است که انسان در مکان های مختلف با یک سری از عوامل جاذب و دافع در شکل متغیرهای مثبت و منفی مواجه است، که در ضریب ماندگاری انسان ها در منطقه یا قصد مهاجرت آن ها از منطقه موثر است^۱. به عبارت دیگر تعیین موقعیت و امکانات هر محل و عوامل جاذب و دافع پنهان و آشکار آن می تواند اصلی ترین عامل . انگیزه در پایداری و ماندگاری جمعیت ها یا مهاجرت آن ها از منطقه باشد، ضمن اینکه مهاجرت های استانی نیز از این قاعده مستثنی نیست (Lee. E. S. 1966 , p57).

^۱ اورت. س. لی، وجود امکانات بیش تر آموزشی، اشغال و درآمد را در مبدا از جمله عوامل جاذبه به حساب می آورد و در مقابل هزینه های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب می دارد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).



نمودار ۲: عوامل موجود در محل اولیه و مقصد و مداخله موانع در مهاجرت^۱

منبع: p47, Lee, E. S., 1966

۳- بحث

۳-۱- روند مهاجرت در استان آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی در نیم قرن گذشته به دلیل تغییر در روند موقعیت سیاسی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، ویژگی های جغرافیایی و افزایش نرخ رشد طبیعی جمعیت بویژه در دهه ۵۵ تا ۶۵، با روند کاهش تعداد جمعیت روستایی (از حدود ۱/۸۴۳ هزار در سال ۱۳۴۵، به حدود ۱/۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵) و کاهش درصد جمعیت روستایی (از ۷۱ به ۳۳/۳ درصد) روبه رو بوده است. و این در حالی است که نرخ رشد جمعیت شهری استان نیز از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ از ۲ درصد بیشتر نبوده است (جدول ۱).

^۱ عوامل جذب کننده و دفع کننده به ترتیب به صورت های (+ و -) و عوامل خنثی به صورت (0) دیده می شود.

جدول ۱: تغییرات جمعیت استان آذربایجان شرقی در سال های مختلف

نرخ رشد در فاصله ۶۵-۸۵ (درصد)	درصد	۱۳۸۵	درصد	۱۳۶۵	درصد	۱۳۴۵	جمعیت
۰/۰۸	۱۰۰	۳۶۰۳۴۵۶	۱۰۰	۳۰۷۷۸۸۲	۱۰۰	۲۵۹۶۴۳۹	کل
۲	۶۶/۷	۲۴۰۲۵۳۹	۴۸/۷	۱۵۸۶۱۸۹	۲۹	۷۵۲۹۶۷	شهری
۰/۰۱	۳۳/۳	۱۲۰۰۹۱۷	۵۱/۳	۱۴۹۱۶۹۳	۷۱	۱۸۴۳۴۷۲	روستایی

منبع:

- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، ۱۳۴۵.

- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، ۱۳۶۵.

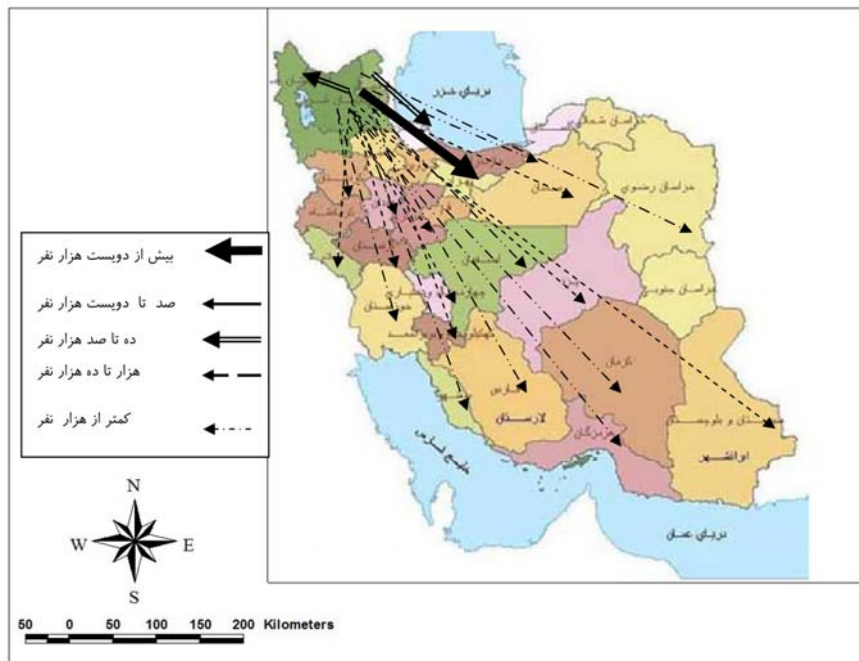
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، ۱۳۸۵.

استان آذربایجان شرقی در سرشماری ۱۳۴۵ در مقابل ۹۶۶۱ نفر مهاجر از استان های دیگر، تعداد ۱۱۰۸۰۷ نفر از جمعیت خود را به صورت مهاجرین به استان های دیگر از دست داده است که بیش از ۱۰ برابر مهاجرین به استان بوده است، لذا خالص مهاجرتی آن ۱۰۱۱۴۶- نفر بوده است. نقشه شماره ۲ نشان می دهد که در بین استان های مقصد مهاجرین، استان های تهران، گیلان و آذربایجان غربی، به ترتیب بیش ترین مهاجرین استان را جذب کرده اند. بدیهی است نقش استان تهران به علت وجود شهر تهران و تمرکز فعالیت های مختلف آموزشی و خدماتی و رفاهی، از قدیم ترین زمان، مقصد مهمی برای مهاجرین این استان بوده است. در فاصله سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، به علت ضعف توجه برنامه ریزان به استان آذربایجان شرقی و عدم توجه به قابلیت های فرهنگی، گردشگری، صنعتی و ...، روند مهاجرفرستی ادامه داشته است. یعنی در مقابل ۳۹۰۱۴ نفر که به استان وارد شده اند، ۲۶۳۸۰۴ نفر از استان مهاجرت کرده اند که بیان آن منفی و خالص مهاجرتی ۲۲۴۷۹۰- نفر بوده است. (جدول ۲).

جدول ۲: مهاجرت استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵.

ردیف	نام استان	وارد شدگان به	خارج شدگان از	مهاجرت خالص
۱	تهران	۱۱۹۵۳	۲۰۶۹۰۰	-۱۹۴۹۴۷
۲	مرکزی	۱۶۱	۵۷۴	-۴۱۳
۳	گیلان	۱۷۶۹	۱۱۹۲۲	-۱۰۱۵۳
۴	مازندران	۱۱۴۰	۵۹۵۴	-۴۸۱۴
۵	آذربایجان شرقی	-	-	-
۶	آذربایجان غربی	۱۳۰۷۲	۱۱۳۱۵	+۱۷۵۷
۷	باختران	۱۰۳۴	۸۰۶	+۲۲۸
۸	خوزستان	۳۰۹۸	۲۴۹۵	+۶۰۳
۹	فارس	۷۱۳	۱۹۰۵	-۱۱۹۲
۱۰	کرمان	۳۰۸	۱۲۷۸	-۹۷۰
۱۱	خراسان	۶۷۱	۳۱۶۷	-۲۴۹۶
۱۲	اصفهان	۷۶۶	۲۵۱۱	-۱۷۴۵
۱۳	سیستان و بلوچستان	۲۳۱	۹۶۶	-۷۳۵
۱۴	کردستان	۸۳۶	۴۶۴	+۳۷۲
۱۵	همدان	۵۰۰	۵۴۷	-۴۷
۱۶	چهارمحال و بختیاری	۲۷	۵۱	-۲۴
۱۷	لرستان	۲۰۲	۲۲۷	-۲۵
۱۸	ایلام	۸۵	۱۵۴	-۶۹
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۹	۲۰۲	-۱۸۳
۲۰	بوشهر	۵۴۲	۱۲۶۰	-۷۱۸
۲۱	زنجان	۹۰۲	۸۴۸۰	-۷۵۷۸
۲۲	سمنان	۱۶۷	۳۸۲	-۲۱۵
۲۳	یزد	۱۰۷	۳۷۲	-۲۶۵
۲۴	هرمزگان	۷۱۱	۱۸۷۲	-۱۱۶۱
-	جمع	۳۹۰۱۴	۲۶۳۸۰۴	-۲۲۴۷۹۰

منبع: محاسبات نگارندگان با اقتباس از (زنجان؛ علیزاده آهی، ۱۳۷۲: ۱۳۱).



نقشه ۲: جریان های مهاجرتی خالص بین استانی استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵.
تهیه و ترسیم: نگارندگان

در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، استان آذربایجان شرقی با همه استان های کشور ارتباط مهاجرتی داشته و تعداد مهاجرت کنندگان بیش از شش برابر مهاجران به استان بوده است. نکته ی قابل تامل در جدول « ۲ »، این است که استان آذربایجان غربی در پذیرش مهاجران از استان آذربایجان شرقی، بسیار چشمگیر عمل کرده و بیش از $\frac{33}{5}$ درصد از مهاجران به آن را تشکیل داده است. در این ارتباط، تمرکز جاذبه های متعدد، خدمات فرهنگی، آموزشی و صنعتی را در استان آذربایجان غربی نمی توان از نظر دور داشت. داده های آماری فوق نشان می دهد که در این دهه آذربایجان شرقی یکی از استان های مهاجر فرست ایران بوده است. استان آذربایجان شرقی بیشترین مهاجران را کماکان به استان های تهران، گیلان و زنجان گسیل داشته است. آمار فوق همچنین نشان می دهد که در این دهه، خالص مهاجرتی استان آذربایجان شرقی در مقابل آذربایجان غربی $1757+$ و در برابر خوزستان $603+$ نفر بوده است .

در سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت استان آذربایجان شرقی بالغ بر ۳/۶۰۳/۴۵۶ نفر بوده است. در این سرشماری تعداد کل نقل و انقالات و مهاجرت های این استان بالغ بر ۴۵۱۱۰۲ نفر بوده و میزان کل مهاجرت آن برابر ۱۲۵ در هزار است.

تعداد کل مهاجرین از خارج از استان + تعداد کل مهاجرین به خارج از استان = میزان کل مهاجرت

جمعیت وسط سال آذربایجان شرقی

$$\frac{۳۰۲۱۵۶ + ۱۴۸۹۴۶ \times ۱۰۰۰}{۳۶۰۳۴۵۶} = ۱۲۵$$

همچنین خالص مهاجرتی آن معادل ۱۵۳۲۱۰- نفر بوده است (جدول ۳)
تعداد مهاجرین از استان - تعداد مهاجرین به استان = میزان مهاجرت خالص
۱۵۳۲۱۰- = ۳۰۲۱۵۶ - ۱۴۸۹۴۶ = میزان مهاجرت خالص

جدول ۳: مهاجرت استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵.

ردیف	نام استان	وارد شدگان به	خارج شدگان از	مهاجرت خالص
۱	مرکزی	۸۱۰	۱۶۴۱	-۸۳۱
۲	گیلان	۴۲۴۴	۸۰۷۶	-۳۸۳۲
۳	مازندران	۲۳۷۶	۳۳۳۸	-۹۶۲
۴	آذربایجان شرقی	-	-	-
۵	آذربایجان غربی	۴۳۶۷۷	۴۴۲۵۵	-۵۷۸
۶	کرمانشاه	۳۹۸۷	۱۴۹۰	+۲۴۹۷
۷	خوزستان	۵۷۷۴	۲۴۲۲	+۳۳۵۲
۸	فارس	۳۲۴۹	۳۰۶۱	+۱۸۸
۹	کرمان	۱۴۴۶	۱۸۹۳	-۴۴۷
۱۰	خراسان رضوی	۴۱۲۴	۳۹۷۹	+۱۴۵
۱۱	اصفهان	۲۷۸۸	۲۹۷۰	-۱۸۲
۱۲	سیستان و بلوچستان	۱۸۷۴	۱۳۵۸	+۵۱۶
۱۳	کردستان	۸۲۴۹	۴۶۵۱	+۳۵۹۸
۱۴	همدان	۱۸۰۶	۱۹۴۲	-۱۳۶
۱۵	چهارمحال و بختیاری	۳۲۳	۲۴۶	+۷۷
۱۶	لرستان	۹۱۳	۶۳۰	+۲۸۳
۱۷	ایلام	۹۷۱	۶۸۱	+۲۹۰
۱۸	کهگیلویه بویراحمد	۱۴۶	۱۷۷	-۳۱
۱۹	بوشهر	۱۲۵۱	۲۴۰۲	-۱۱۵۱

ادامه جدول ۳: مهاجرت استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵.

۲۰	زنجان	۴۰۸۳	۷۲۸۲	-۳۱۹۹
۲۱	سمنان	۶۶۷	۸۱۲	-۱۴۵
۲۲	یزد	۵۶۷	۱۲۲۰	-۶۵۳
۲۳	هرمزگان	۱۴۰۵	۲۶۳۸	-۱۲۳۳
۲۴	تهران	۴۶۹۰۰	۱۷۲۶۲۹	-۱۲۵۷۲۹
۲۵	اردبیل	۹۹۱۲	۱۴۹۹۳	-۵۰۸۱
۲۶	قم	۳۲۱۵	۸۷۰۸	-۵۴۹۳
۲۷	قزوین	۲۲۷۹	۶۰۶۱	-۳۷۸۲
۲۸	گلستان	۸۴۶	۱۹۴۵	-۱۰۹۹
۲۹	خراسان شمالی	۲۳۳	۴۶۵	-۲۳۲
۳۰	خراسان جنوبی	۳۰۹	۱۹۱	+۱۱۸
-	جمع	۱۴۸۹۴۶	۳۰۲۱۵۶	-۱۵۳۲۱۰

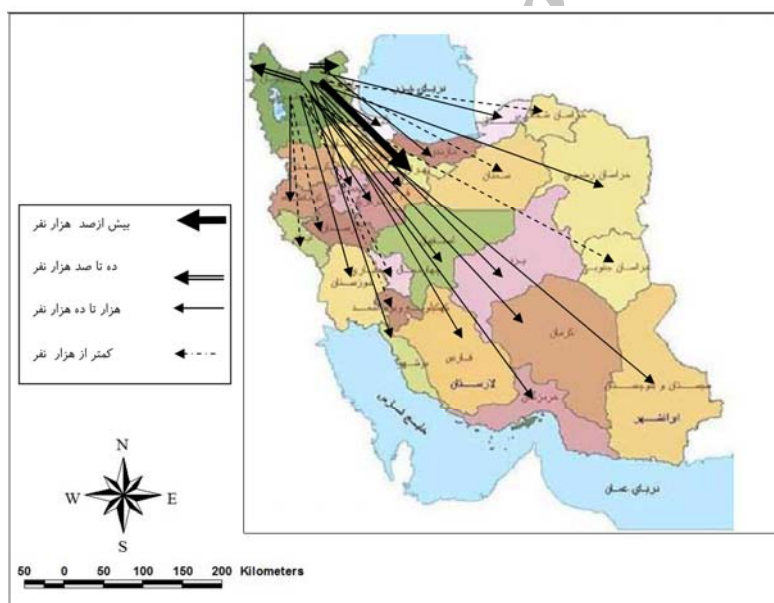
منبع:

- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، ۱۳۸۵.

www.amar.org.ir -

www.sci.org.ir -

نقشه « ۳ » نشان می‌دهد که جریان‌های مهاجرتی این استان باده‌های قبل تفاوت‌چندانی ندارد و روند مهاجر فرستی آن همچنان حفظ گردیده است.



نقشه ۳: جریان‌های مهاجرتی خالص بین استانی استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵.

تهیه و ترسیم: نگارندگان

لذا این استان در سال‌های ۱۳۴۵، ۶۵ و ۸۵، به ترتیب با خالص مهاجرتی ۱۰۱۱۴۶-، ۲۲۴۷۹۰- و ۱۵۳۲۱۰- نفر در بین همه استان‌های مهاجر فرست ایران رتبه اول را داشته است (جدول ۴).

جدول ۴ - وضعیت مهاجران و موازنه خالص مهاجرتی استان بر اساس مهاجران طول عمر در سرشماری‌های مختلف

سال	کل مهاجران	مهاجرت از استان	مهاجرت به استان	خالص مهاجرتی	رتبه مهاجر فرستی در کشور
۱۳۴۵	۱۲۰۴۶۸	۱۱۰۸۰۷	۹۶۶۱	-۱۰۱۱۴۶	اول
۱۳۶۵	۳۰۲۸۱۸	۲۶۳۸۰۴	۳۹۰۱۴	-۲۲۴۷۹۰	اول
۱۳۸۵	۴۵۱۱۰۲	۳۰۲۱۵۶	۱۴۸۹۴۶	-۱۵۳۲۱۰	اول

منبع :

- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، ۱۳۴۵.

- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، ۱۳۶۵.

- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، ۱۳۸۵.

در حالی که در سال‌های ۴۵، ۶۵ و ۸۵، تعداد و حجم مهاجرین به استان به ترتیب ۹۶۶۱، ۳۹۰۱۴ و ۱۴۸۹۴۶ نفر بوده است. بدیهی است سهم مهاجرت فرستی نواحی روستایی و مراکز شهری یکسان نبوده و افزایش نرخ کاهش جمعیت نواحی روستایی و منفی بودن آن در همه دوره‌های آماری نشان می‌دهد که پیوسته مناطق روستایی به علت محرومیت بیش‌تر و فقر فرصت‌های شغلی حتی قادر نبوده‌اند افزایش جمعیت ناشی از رشد طبیعی خود را حفظ کنند، لذا سهم مهاجرتی آن‌ها از مراکز شهری، پیوسته بیش‌تر بوده است.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

اصولا پدیده مهاجرت با انگیزه‌های تحصیلی، شغلی، خدمت وظیفه و دستیابی به مراکز اداری، خرید و مراکز تجاری بوده ولی مهاجرت‌های استانی در ایران تا حد زیادی تابعی از درجه رشد اقتصادی و مسئله محرومیت و برخورداری آنهاست. به عبارتی دیگر هر چه محروم‌ترند، مهاجرت فرستی آن‌ها بیش‌تر است.

در استان آذربایجان شرقی به رغم بالا بودن نسبی نرخ رشد طبیعی جمعیت بویژه در مناطق روستایی، نرخ رشد مطلق جمعیت در فاصله ۶۵ تا ۸۵ در مناطق شهری تنها ۲ درصد و در نواحی روستایی ۰/۰۱- درصد و برای کل جمعیت ۰/۰۸ درصد بوده است. لذا استان آذربایجان شرقی در

۵۰ سال گذشته پیوسته دارای مهاجرفرستی شدید بوده و از این نظر بین سایر استان های مهاجر فرست ایران رتبه اول را داشته است. در این ارتباط علل و عوامل مختلف جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موثر بوده که در زیر به مهم ترین آنها اشاره می شود.

- حجم جمعیت استان و تراکم نسبی آن نسبت به استان های همجوار (آذربایجان غربی و استان اردبیل) بیشتر است و لذا فشار جمعیت بر ظرفیت های نه چندان مساعد کشاورزی و صنعتی استان، سنگینی می کند.

- اقتصاد استان عمدتاً کشاورزی بوده و ضعف پتانسیل های کشاورزی، کشتزارهای عمدتاً دیمی و تشدید خشکسالی های پی در پی در پی در مهاجرت فرستی نواحی روستایی بسیار موثر بوده است.

- ضعف بنیادهای کشاورزی استان، جمعیت روستایی آن را از ۱/۸۴۳/۰۰۰ در سال ۴۵ به ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵، تقلیل داده و نسبت آن را از ۷۱ به ۳۳ درصد کاهش داده و تعداد روستاهای تخلیه شده را به ۳۶۰ روستا در سال ۱۳۸۵ رسانده است.

- ضعف سرمایه گذاری دولتی و ضعف فعالیت های صنعتی در مراکز شهری استان و در نتیجه کمبود فرصت های شغلی، در مهاجرت شهروندان استان از شهرهای کوچک به تبریز و یا بیرون از استان بسیار موثر بوده است.

- سابقه تاریخی مهاجرت مردم آذربایجان شرقی از مراکز شهری و روستایی به تهران و دیگر شهرهایی چون کرج، بندرعباس، خوزستان و اصفهان، در مهاجرفرستی شدید آن موثر بوده است.

- افزایش نرخ رشد شدید جمعیت و بویژه جمعیت روستایی در بعد از انقلاب اسلامی فشار بیشتری را بر ظرفیت های ضعیف کشاورزی در مناطق روستایی تحمیل کرده است.

- علاقه و مهارت جمعیت منطقه به فعالیت های خدماتی و فنی و بویژه کارهای ساختمانی، از قدیم در منطقه وجود داشته است و کمبود این فرصت های شغلی در مهاجرت جمعیت از منطقه موثر بوده است.

- بعد از انقلاب اسلامی و بویژه بعد از جدا شدن استان اردبیل، به علت گرایشات بیشتر مردم اردبیل به مذهب و مراسم مذهبی این استان بیشتر از آذربایجان شرقی مورد توجه بوده است و لذا به آذربایجان شرقی آنطور که شایسته است، توجه نشده است.

- قرار گرفتن دشت مغان (به عنوان یکی از قطب های بزرگ کشاورزی منطقه) و سبلان (یکی از مراکز بزرگ معدنی و تفرجگاهی و گردشگری) در استان اردبیل بیش از پیش در کاهش ظرفیت های کشاورزی و توریستی استان آذربایجان شرقی موثر بوده است.

- نزدیکی استان اردبیل به کشور آذربایجان و بالطبع توجه بیش تر و سرمایه گذاری بیشتر دولت در این استان به منظور جلب توجه در مقابل ساکنین آن طرف مرز، در کم توجهی به سرمایه گذاری در استان آذربایجان شرقی موثر بوده است.

- مکانیزه شدن کشاورزی آذربایجان شرقی و نیاز به جمعیت کم تر روستایی، هم چنین دیمی بودن اراضی کشاورزی (نسبت به استان های مجاور) و وجود خشک سالی های دوره ای، در مهاجرت فرستی روستائیان استان بی تاثیر نبوده است.

- آب و هوای آذربایجان شرقی به خاطر ارتفاع بیش تر، سردتر، و میزان آب آن کم تر است، به طوری که آب تبریز از رودخانه های زرينه رود و میاندوآب تامین می شود.

- تبریزی ها از قدیم از نظر فرهنگی افرادی فعال، با افکار اقتصادی و بازاری بوده و ضعف فعالیت های کشاورزی از گذشته، مردم را به تلاش در فعالیت هایی چون بافتن فرش های ظریف، تجارت فرش و فعالیت های تجاری کشانده و چون پیوسته ظرفیت های شغلی در منطقه کم بوده، مردم به سوی سایر استان ها مهاجرت کرده اند.

- جمعیت زیاد استان در مقابل وسعت کم، تراکم جمعیت را در منطقه افزایش داده و ضعف ظرفیت و پتانسیل های محیطی موجب شده از قدیم این استان، اضافه جمعیت خود را به استان های دیگر بفرستد.

- وجود اقوام ترک زبان و محلات ترک نشین در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران بهترین پایگاه و مهم ترین انگیزه برای روستائیان و شهرنشینان شهرهای کوچک استان است تا به دنبال اقوام خود با خاطری آسوده به این مراکز سفر کنند.

۵- پیشنهادها

در راستای رشد، اصلاح ساختار و نظارت بر حرکات جمعیت استان و جلوگیری از پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن پیشنهادات زیر ارائه می گردد.

- ادامه برنامه تنظیم خانواده در استان تا رسیدن میزان مولید به ۱۰ تا ۱۲ در هزار.

- جلوگیری از تکنولوژی های سرمایه بر و استفاده از تکنولوژی های نیروبر می تواند در

جلوگیری از مهاجرت فرستی روستائیان موثر باشد.

- شناخت ظرفیت ها و استعداد های اقتصادی و تولیدی استان به منظور سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال.

- سرمایه گذاری بیشتر در نواحی روستائی استان به منظور ایجاد فرصت های شغلی و پایدار کردن جمعیت.
- تقویت مراکز آموزشی و تاسیس مراکز آموزش عالی در شهرهای مختلف استان می تواند بخشی از نیازهای مهاجرین را بر طرف سازد و از مهاجرت آنها از منطقه جلوگیری کند.
- شناخت ظرفیت های اقتصادی نواحی روستائی و سرمایه گذاری در صنایع کارگاهی و کوچک و نیروبر تا از مهاجرت بی رویه روستائیان جلوگیری کند.
- ارائه خدمات بیشتر روستائی و ساماندهی به نقاط روستائی به گونه ای که بتواند از مهاجرت شدید روستائیان جلوگیری کند.
- ارائه اعتبارات و وام های کشاورزی به روستائیان و تضمین بیش تر در مورد خرید محصولات کشاورزی می تواند در مبارزه آنان با خشکسالی و در نتیجه پایداری جمعیت روستائی موثر باشد.

Archive of SID

منابع و مآخذ

- استان‌های کشور از نگاه برخی شاخص‌های آماری (۱۳۸۷)، وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.
- او برای. اس.، (۱۳۷۰) "مهاجرت، شهرنشینی و توسعه" فرهنگ و ارشاد، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی.
- تمنا، سعید، (۱۳۷۹) "مبانی جمعیت‌شناسی" انتشارات پیام نور، چاپ پنجم.
- جهانفر، محمد، (۱۳۸۶) "ویژگی‌های جمعیت‌شناسی ایران" انتشارات پیام نور، تهران.
- جوان، جعفر، (۱۳۸۰) "جغرافیای جمعیت ایران" انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.
- زنجانی، حبیب‌ا...، (۱۳۸۰) "مهاجرت" انتشارات سمت، چاپ اول.
- زنجانی، حبیب‌ا...؛ زرین تاج و علیزاده‌آهی؛ (۱۳۷۲) "مهاجرت" نشریه شماره ۲۸، مطالعات جمعیت.
- مهدوی، مسعود، (۱۳۸۵) "مبانی جغرافیای جمعیت" پیام نور، تهران.
- ویکس، جان (۱۳۸۵) "جمعیت، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات" مترجم: دکتر الهه میرزایی، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بیک محمدی، حسن، (۱۳۷۷) "روند مهاجرت در استان اصفهان" مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره پانزدهم.
- بیک محمدی، حسن؛ مختاری ملک آبادی، رضا؛ (۱۳۸۲) "تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان" مجله جغرافیا و توسعه.
- بیک محمدی، حسن؛ مغانی، بهنام، (۱۳۸۲) "روند مهاجرت در استان فارس" فصلنامه جمعیت، شماره ۴۳ و ۴۴.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، (۱۳۴۵)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، (۱۳۶۵)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، (۱۳۷۵)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران.

- www.amar.org.ir

- www.iran-map.com

- www.ostan-as.gov.ir

- www.sci.org.ir
- Fuller – G. (1978), a curriculum Guide for Population Geography, Honolulu east west. Population institute.
- Kuls. W. (1980), Bevolkerungs – Geographi – Teubner Studi enbucher der Geographic Stuttgart
- Lee. E. S. (1966), A Theory of Migration Demography No 1.
- Newman James. L. / Gordon Matzke, (1987), Population Pattern Dynamicand prospects, United State of America Newjersey.
- pressat, Roland. (1989), The Dictionary of Demography, Blackwell, London.
- Trewartha G . T . A . (1953), Case for Population Geography, Annals of The Association of American Geographers, Vol 47 .

Archive of SID